

اعلام تاریخی افغانستان

(۳) .

آریانا و بجه : اولین قطعه زمین اوستائی که نزد (فرکانداول) یا باب اول (وندیداد) در جمله

شانزده قطعه زمین دیگر تذکار می‌دهد (آریانا و بجه) یا (ایریانم و بجو) است که در (بنداهش) به حواله کتب سلف ذکر شده و اگر محبت مسقط الرأس نمی بود همه مردم بواسطه زیانی به (آریانا و بجو) میرفتند. از روی این اشاره معلوم می‌شود که (آریانا و بجو) سر زمین مطبوع و فشنکی بود. علما در باب تعیین قلمرو (آریانا و بجو) تحقیقات زیاد نموده و نظریات مختلف عرضه کرده اند لیکن از روی ترتیب خاک شانزده گانه و بعضی اشاراتی که (در بنداهش) شده چنین معلوم می‌شود که آریانا و بجو قطعه زمین بلند و چشمه خانه بعضی رودخانه ها بوده و موقعیت آنرا میتوان با اکثر احتمالات در جوار سیچسه اکوس (فرغانه) تعیین کرد. (وندیداد) (سر زمین آریانا و بجو) را کنار رودخانه (وانگوهی دیتیا) قرار میدهد. اسم وانگوهی دیتیا مرکب از دو کلمه است: (دیتیا) اصل نام رودخانه و (وانگوهی) که به معنی قانومیا شد و بصورت اصطلاحی از آن این معنی استخراج می‌شود که در جوار آن قانوم و آئینی بیان آمده است که عبارت از آئینی زر تشریح می‌باشد.

بنداهش نامهای بعضی کوه ها مثل کوه (کوندراس) Kondras و بعضی رودهای را که از آریانا و بجو می‌گذشت از قبیل (دائی تیک) Daitik و دارا گما (Daraga) اسم می‌برد.

در میان این رودخانه ها همان رودخانه (وانگوهی دیتیا) که در خود آوستا ذکر شده مهم تر است و روشن شدن موقعیت آن موقعیت (آریانا و بجو) و محل ظهور زر تشریح هر دو را روشن می‌کند.

رودخانه فوق الذکر در (بنداهش) بنام (دائی تیک) Daitik ذکر شده و چنین تذکار رفته که (رودخانه دائی تیک از (ایرن و گم آمده از میان کهستانات میگذرد) همچنین تذکار رودخانه (دارا گما) در بنداهش خالی از مفاد نیست. درین باب چنین گفته شده که رودخانه (دارا گما) در (آریانا و بجه) است که در ساحل آن (پوروشاسپه) Porushaspa پدر (زارا نشت) اقامت داشت.

«سرپرسی سائیس» در تاریخ افغانستان جلد اول صفحه ۳۴ تحت عنوان (خانه آریانی) می‌نویسد: «راجع به خانه اصلی آریانی جر و بحث زیاد شده حال آنکه روایات واضح از (اران و ج) «Eranvg» صحبت میکنند. این قطعه زمین بین دو رودخانه واهی دیتیا Vahi . datya ، و ارانگ Arang واقع بود و این نامهای قدیم رودخانه اکوس (آمودریا) و ایگرارت (سردریا) میباشد.

تحقیقاتی که از طرف موزه «ارمیتاژ» و شعبه تاریخ و تهنسب مادی

ا کادمی علوم روسیه بعمل آمده هم این نظریه را تقویت میکند علمای روسی در (۱۹۳۹) در تپه های « تلی برزو - Tali Barzou » نزدیک سمرقند حفریاتی نموده و روی پارچه های نیکر « تصویر » « گویت شاه » یا « پادشاه شبانی » را یافته اند که قرار عقیده « بورل-بوف » A. Borissav و مدام « ترور Trever » علمای روسی عبارت از پادشاهی است که در او ایستا اسم برده شده و « گویت شاه » خوانده شده و روایات اوستانی او را بصورت موجود نیمه انسان و نیمه نرگا و تعریف کرده است . علمای روسی از این تحقیقات خود چندین نتیجه می گیرند و یکی آن اینست که « سفد » را در قدیم « گارا » می گفتند و با اکثر احتمالات (آریانا و بیجه) علاقه فرغانه را در بر می گرفت کالیگر جرمنی « فرغانه » را عبارت از آریانا و بیجه « میدانند .

پس باندگار مراتب فوق از روی متن او ایستا و تعبیر مترجمین آن و تحقیقات تازه هشت روسی به این نتیجه میرسیم که « آریانا و بیجه » به مفهوم جامع خود قطعه زمین مرتفعه و خوش آب و هوایی بود قریب سر چشمه اکسوس یا میان سرچشمه اکسوس و ایگزارت (آمودریا و سردریا) که فرغانه را تمام در بر میگرفت و با احتمالات یک قسمت بدخشان علیا هم جزء آن بود . « فرغانه » و موقعیت آن از هر نقطه نظر و تمام محاسن طبیعی به صفات « آریانا و بیجه » سر میخورد و با ترتیب مهاجرت آریانی طوریکه او ایستا ذکر کرده بخوبی موافقت میکنند و متصل به « سفده » « سفدیان » و بخدی (بلخ یا خزر) و مورو (مرو) و دیگر قطعات خاک او ایستانی است که آریا ها به آنها مهاجرت کرده اند .

« آریانا و بیجه » یا « ایریانا و بیجه » مرکب از دو کلمه است یکی (آریا) یا (ایریا) که هر دو یک چیز و اسم خاص قوم است و دیگری (بیجه) که معنی آن « مسکن و « جای » میباشد و (نا) یا (ن) به فتح و اول نسبتی را بازی کرده و مفهوم آنرا « مسکن آریا » یا « مسکن آریانی » ساخته است .

« آریانا و بیجه » بدون (نا) یا (ن) نسبتی بوزن « آریا و رته » مصر ویدی ساخته شده که مفهوم آنهم « جای و مسکن » آریا میباشد و مرکب از دو کلمه (آریا) و « رته » است که بعضی اوقات (ورشه) هم تلفظ شده است ، (ورشه) در پهنو بصورت (ورشو) یعنی (چراگاه) باقی مانده (بیجه) در پهنو بوزن ارغنداب به معنی قدیم خود (جای و مسکن) تا حال معمول و مستعمل است .

آشو کا : (اشو کا) پسر « بندوسارا » نواسه « چندرا گوپتا » امپراطور موریاست

مشارالیه قرار نظریه « ریسن » از ۲۳۷ ق م الی ۲۷۴ ق م و قرار نظریه « نست سمیت » از ۲۳۲ الی ۲۷۳ ق م مدت تقریباً ۴۰ سال سلطنت نموده . اشو کا چه از نقطه نظر حکمفرمایی و پادشاهی وجه از پهلوی شخصیت و افکار بشر خواهی و نوع پروری معر و فترین تمام شاهان خاندان موریاست و می توان او را یکی از بزرگترین حکمفرمایان تاریخی هند خواند . در هند از گنگا تا دکن حکومت می کرد و خارج خاک هند در کشور ما در جنوب هندو کش تا حوزه ارغنداب نفوذ او رسیده بود .

آشو کا با وجودیکه یکی از بزرگترین پادشاهان تاریخی هند است داستان و افسانه پیرامون شخصیت او را خیلی فرا گرفته و این داستان ها و تنوع آن شهرت دیگری به این پادشاه بزرگت داده است . آشو کا در جوانی به کنفر « برهن » بود . طبیعت خشن داشت و قسی القلب و ظالم بود . بیش از جاوس به تخت شاهی در علاقه های مختلفی مانند تا کزیلا « و (بوجن) نائب الحکومه بود و زمانی هم در هر دو ولایت مقام نیابت سلطنت داشت . سال های اول سلطنت او بر آشوب

و بر از يك سلسله جنگ‌ها و معاربات بود چنانچه می گویند که خون ریزی‌ها و کشتار زیادی که درین جنگ‌ها واقع شد به سببای او تاثیر زیاد افکند و شخصیت او را کاملاً عوض کرد و باعاطفه و نوع دوست گردید . مخصوصاً جنگ « کالنگا Kalinga » درین مورد تاثیر زیاد بخشید زیرا در طی آن ۱۵۰ هزار نفر مجبوس و تقریباً يك لک نفر کشته شده بود . فقط - کرسنگی و کشت و خون زیاد شاه موری را بطرف « بودیزم » متماثل ساخت و در ۲۶۰ ق م آشوکا داخل دیانت بودائی گردید ازین روز به بعد سلطنت او سراسر عصر امنیت و دوره تعمیرات مذهبی و بسط امور خیریه گردید و آشوکا طوری تغییر شخصیت داد که بالای تخت سلطنت به لباس راهبی جلوس نمود و بنام (Devanapiya)

یعنی محبوب ارباب الانواع و پادشاه مهربان « موسوم شد .
آشوکا پادشاه (موری) از دو نقطه نظر در تاریخ قدیم افغانستان حتماً جای دارد . اول ازین جهت که نفوذی در جنوب هندو کش داشت و این نفوذ موری‌ها از زمان جنگ « چندرا گوپتا » و سلو کاس تیکار تورد درین حصص پیش شده بود و در عصر آشوکا هم دوام داشت . دوم آشوکا « شخصی است که در عصر او آئین بودائی داخل کشور ما شده است

و این از واقعات برجسته و مهم تاریخ مملکت ما است .
در سال یسازد هم جلوس (آشوکا) یعنی ۲۵۹ ق م محفل بزرگ مذهبی در شهر « پتالی پوترا » (بنته امروزه) تاسیس شد . این مجلس تحت قیادت خود آشوکا و ریاست‌ها ام بزرگ « موگالی پوترا تپسا » در ایرو گردید و یکی از تصمیم‌های بزرگی که درین محفل گرفته شده بود ارسال مبلغین به نقاط مختلف خود هند و خاکهای بیگانه بود . مبلغینی که در عصر آشوکا بطرف افغانستان آمده بود . « جهان تپکا » « دهه ماراکی تا » و « مهاراکی تا » نام داشت که اولی در حصص شرقی آریانا تا حوالی کابل آمده و دو نفر دیگر بزرگ یونانی‌ها را بطرف شرق آسیا اعزام شده بودند . با تحقیقات مدققین چنین معلوم میشود که هشت مبلغین در سال (۲۵۸ ق م) به افغانستان آمده بود . درین وقت هنوز سلطنت مستقل یونان و باختری آریانا تاسیس نشده بود و دولت موری در جنوب هندو کش نفوذ و سلطه سیاسی داشت . تقریباً هشت سال بعد ازین واقعه « بودوتس » در باختر به تشکیل سلطنت مستقل یونان و باختری پرداخت .

آشوکا روی هم رفته در انتشار دیانت بودائی رول مهمی بازی کرده شکارهای بزرگ شاهی و شکوه دربار خود همه را وقف امور خیریه نموده بود . ازین پادشاه یکصد فرامین سنگی که ۱۶ عدد آنها کشف نموده اند در نقاط مختلفه هند باقی مانده و این فرامین از نقطه نظر تاریخ کمال اهمیت دارد و روشنی زیادی به تاریخ دوره موریائی می‌اندازد . از روی متن بعضی ازین فرامین معلوم میشود که آشوکا نسبت به باشندگان شرقی و جنوبی آریانا کمال خوش رفتاری داشته و حتی در مقابل جشن‌های ملی و آزدیخوانه‌ها آنها هم بوسائل جنگی متصل نمی‌شد و میخواست به صلح و مسالمت از نیروی جنگی و زور بازوی افراد غیور افغانستان شرقی استفاده کند .

از عمرانات دوره آشوکا بعضی خاطرهما در کندهار و کاپیسا باقی مانده . استوبه بزرگی در همد و معبد و استوبه‌ئی در حصص شرقی کاپیسا در جوالی ریزه کوهستان فعلی آباد نموده بود و احتمال دارد که کوه (آشوقان) که فراز ریزه کوهستان میان این هلاقه و (نجره) افتاد . کوهی هرد که بنام معبد و استوبه پای خود به کوه (اشوکا) شهرت داشت . (ناتمام)